

حق مداری و تکلیف مداری (فر.ش)

حق مداری و تکلیف مداری (فر.ش) نوعی نگرش و رفتار اجتماعی است (و نه آموزه ای مدرسه ای و دانش‌شرایی) که با اتکاء به آن افراد و گروه ها، به طور جدی در طلب و نظارت بر حقوق خود برمی آیند و اجازه نمی دهند کسی زیر هر عنوان، حق آنان را ضایع کند (حق مداری) همچنین در فرهنگ تکلیف مداری، تکالیف خود می جویند و به آن پایبندی نشان می دهند.

در معارف اسلامی حق جویی یک تکلیف است و انجام تکالیف به حق مداری منجر می شود. اما اصطلاح حق مداری و تکلیف مداری، ناظر به نگرش ساری و جاری و رفتار شایع جامعه است و نه معارف اسلامی. پس این دو به بخشی از فرهنگ ساری و جاری اشاره دارد و نه به آموزه های دینی.

❓ در فرهنگ بایسته آموزه های اولیه محوریت دارد. در اینجا نگره اجتماعی محور است. فسادهای اجتماعی و سیاسی در جوامع حق مدار کمتر است. تکلیف مداری، آن نگرش و رفتاری در فرهنگ و گروه ها است که مردم را به انجام تکالیف الهی و مدنی، فردی اجتماعی و... ترغیب و تشویق می کند. تکلیف مداری، لازمه حیات اخلاقی و بشری است. در اسلام حق و تکلیف بر میزانی که خداوند متعال تعیین کرده است، تعریف می شود. مردم باید حق مداری و تکلیف مداری را توأمان داشته باشند. مسلمانان در بیشتر کشورها تکلیف مدارانانه زندگی می کنند و این موجب می شود که حاکمان و استعمارگزان حقوق آنان را به

تاراج برند. حق مداری بیش از حد، ممکن است برآمده از تفکر انسان گروانه باشد. تکلیف مداری بیش از حد، احتمالاً مربوط به عدم درک درست تکلیف و حق است. نگا. **کژکارکرد**



□ حق مداری و تکلیف مداری، یک باور و رفتار فرهنگی است و نه آموزه ای فلسفی، آموزه های فلسفی مرتبط با این دو، مبانی فکری مسئله حق و تکلیف است.

□ ممکن است برخی از اندیشمندان دلسوز گمان کنند اگر کسی مردم را به تکلیف مداری دعوت کند می خواهد آنان را به رویکردی اومانیسمی یا مثلاً شورش علیه حاکمیت دعوت کنند! لازمه دعوت به حق مداری چنین چیزی نیست. تکلیف مداری افراطی آسیب خیز تر از حق مداری افراطی است. چون تکلیف مداری افراطی، زمینه تولد فراعنه را فراهم می کند. حق مداری به معنای خودخواهی و محبت دنیا نیست. مردم نباید در مواجهه با حاکمیت در پاسداشت از حقوق خود کوتاهی کنند. نظارت اجتماعی در پرتو حق مداری بسیار بهتر صورت می گیرد.

□ گفتار مرد در خیابان: **شکمه را نباید دست گرگ داد.**

□ مردم باید هم تکلیف مدار و هم حق مدار باشند. مردم ایران هنوز متعادل نیستند و در حق مداری در حال توسعه اند. نهاد های مدنی

اسلامی (ونه سکولار) می تواند مردم را در حق مدار شدن کمک کنند.